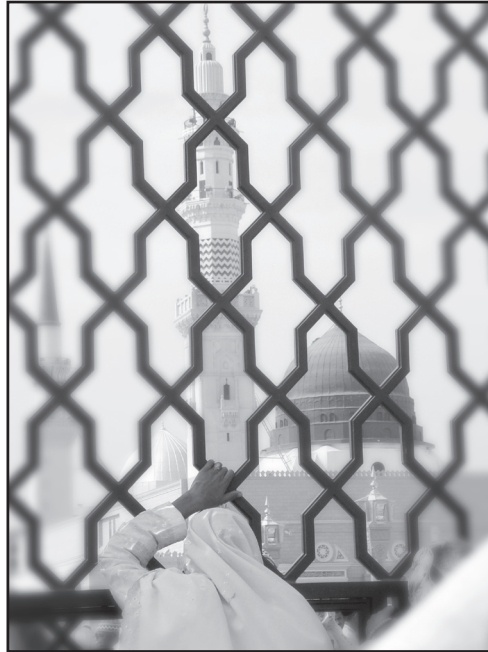


زیارت در سیره

اصحاب پیامبر صلی الله عالیه و آله

سید محمد موسوی



پیشگفتار

زیارت در فرهنگ اسلامی و معارف شیعی، از جایگاهی والا و بلند برخوردار است. گر چه پیشینه زیارت در آموزه‌های دیگر ادیان، بلکه در جامعه‌های غیر دینی و مذهبی به چشم می‌خورد، اما بخش گسترده‌ای از میراث دینی و مذهبی ما، بر محور زیارت شکل گرفته است.

زیارت واقعیتی است دینی و اجتماعی در اندیشه اسلامی و سبب روابط اجتماعی، آرامش خاطر، تکامل معنوی و اخلاقی است و نقش‌های گوناگونی در زندگی انسان دارد.

روایات فراوانی درباره اهمیت، آداب، آثار و دستاوردهای زیارت سخن گفته‌اند. عالمان بزرگ مسلمان نیز در این زمینه مطالب بسیار نوشته و بهره‌مندی از این گنجینه پر بها را یاد آوری کرده‌اند.

اما برخی از کوتاه‌فکران، پیشینه زیارت، مستندات زیارت، آداب زیارت، صفای زیارت، نقش‌های گوناگون زیارت و سیره اولیا و اصحاب در باره زیارت را نادیده گرفته و به شدت با آن مخالفت کرده‌اند.

جای بسی تأسف است که روزی شخصی به نام «ابن تیمیه» پرچم مبارزه با زیارت و برخی دیگر از موضوعات ارزشی اسلام را به دست می‌گیرد و روزگاری دیگر «محمد بن عبدالوهاب» آن اندیشه نادرست را دنبال می‌کند و اکنون وهابیان از او پیروی نموده، با زائران حرم نبوی و مشتاقان زیارت امامان بزرگوار بقیع و دیگر اماکن مقدس، بد رفتاری می‌کنند.

از محورهای قابل بحث که نظریه وهابیان را نادرست و باطل معرفی می‌کند، موضوع «زیارت در سیره اصحاب پیامبر ﷺ» است که این مقاله به بیان آن می‌پردازد.

اکنون برای روشن شدن موضوع به نکاتی در این زمینه توجه می‌کنیم:

۱. انگیزه اصحاب برای زیارت پیامبر ﷺ

آیه‌ای پر جاذبه در قرآن، مسلمانان را به زیارت مرقد نورانی پیامبر بزرگوار دعوت می‌کند:

وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا!

و اگر ایشان هنگامی که به خود ستم کردند، به نزد تو می‌آمدند و از خداوند آمرزش می‌خواستند و پیامبر هم برای آنان مغفرت می‌خواست، خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند.

وقتی ما پیامبر و ائمه را زنده و ناظر بر اعمال خود می‌دانیم، حتی زمانی که حیات

ظاهری نداشته باشند، بدیهی است رفتن به زیارت آن حضرات، نباید مخصوص زمان حیات آنان باشد بلکه پس از رحلتشان نیز زیارت ایشان امری مستحب و پسندیده است. ناگفته نماند که برخی از بزرگان اهل سنت نیز به این نکته باور و عقیده دارند؛ مثلاً:

نور الدین سمهودی از عبدالوهاب سُبکی نقل می کند که آیه یاد شده، بر آمدن به محضر پیامبر خدا ﷺ و استغفار نزد آن حضرت سفارش کرده تا آن حضرت نیز برای ایشان استغفار کنند و این مرتبه ای است که با مرگ حضرتش قطع نمی شود؛ زیرا پس از مرگ نیز هنگامی که اعمال امت بر وی عرضه می شود، برای آنان از خداوند مغفرت می خواهد. وی می نویسد:

دانشمندان از این آیه چنین فهمیده اند که شامل زمان حیات و ممات می شود و مستحب دانسته اند که هرکس نزد قبر حضرتش آمد، آن را تلاوت کند و از خدای متعال طلب آمرزش نماید.^۲

ابن کثیر در تفسیر خود آورده است:

خدای متعال با این آیه، عصیانگران و گنهکاران را ارشاد می کند که هرگاه از آنان نافرمانی و خطایی سر زد، نزد قبر رسولش آمده و در آن مکان از پیشگاه خداوند طلب آمرزش نمایند و از محضر آن بزرگوار بخواهند که برایشان استغفار کند، وقتی چنین کنند، خداوند توبه آنان را پذیرفته و مورد رحمت و آمرزش خویش قرار خواهد داد؛ بدین جهت در پایان آیه فرموده است: «خدا را توبه پذیر و مهربان خواهند یافت.»

ابن کثیر آنگاه حکایت مشهوری را که گروهی از زبان شخصی به نام عتبی آورده اند، نقل می کند:

روزی کنار قبر پیامبر ﷺ نشسته بودم، عربی بادیه نشین آمد و گفت: سلام بر تو ای پیامبر خدا، شنیده ام که خداوند می فرماید: «و اگر ایشان هنگامی که به خود ستم کردند، نزد تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر هم برای آنان استغفار می کرد، خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند.» اکنون من نزد تو آمده ام، در حالی که



از گناه خویش استغفار می‌کنم و تو را شفیع در پیشگاه پروردگارم
 قرار می‌دهم. آنگاه دو بیت شعر دربارهٔ عظمت حضرتش خواند.
 عتبی گوید: همان‌جا خوابم برد و در خواب دیدم که پیامبر ﷺ به من
 فرمود: ای عتبی، نزد آن اعرابی رفته، بشارت ده که خداوند وی را
 آمرزید!^۳

روایات گوناگونی دربارهٔ زیارت پیامبر خدا ﷺ از زبان حضرت رسیده است؛ از
 باب نمونه، در روایتی اینگونه آمده است:

مَنْ زَارَنِي حَيًّا وَ مَيِّتًا كُنْتُ لَهُ شَفِيعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.^۴

هر کس مرا در زمان حیات و مماتم زیارت کند، در روز قیامت شفیع
 او خواهم شد.

۲. زیارت اصحاب همراه با پیامبر ﷺ

باور و عقیده به معاد و روز رستاخیز از اصول مهم اعتقادی در اسلام است و به یاد
 معاد بودن، از نظر تربیتی اثر فراوان برای انسان دارد تا خویشتن را از هلاکت و افتادن
 در دام شیطان و گرایش به زینت‌ها و چیزهای پوچ و بی‌ارزش دنیا ننگه دارد.
 بدین جهت پیامبر خدا ﷺ، هم خود به زیارت قبور می‌رفت و هم دیگران را تشویق
 می‌کرد و گاهی اصحاب، همراه با حضرتش به زیارت قبور می‌رفتند که به نمونه‌هایی
 از آن اشاره می‌کنیم:

الف - اصحاب و زیارت قبر آمنه

در روایتی آمده است:

مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي عُمْرَةِ الْحُدَيْبِيَّةِ بِالْأَبْوَاءِ، قَالَ: إِنَّ اللَّهَ قَدْ آذَنَ لِحُمْدِي
 فِي زِيَارَةِ قَبْرِ أُمِّهِ، فَأَتَاهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَأَصْلَحَهُ وَ بَكَى عِنْدَهُ وَ بَكَى
 الْمُسْلِمُونَ لِبُكَاةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، فَقِيلَ لَهُ، فَقَالَ: أَدْرَكْتَنِي رَحْمَتُهَا فَبَكَيتُ؛

پیامبر خدا در جریان عمرهٔ حدیبیه، از «ابواء» گذر کرد و فرمود: خداوند به محمد اجازه داد که قبر مادرش را زیارت کند. آنگاه (پیامبر) نزد قبر مادرش آمده و آن را مرمت نمود و گریست، مسلمانان نیز به سبب گریهٔ وی گریستند. وقتی از حضرتش پرسیدند: چرا گریستی؟ فرمود: به یاد مهربانی‌اش افتادم و اشکم جاری گشت.^۵

زیارت که خود نوعی تکریم نسبت به ارزش‌ها و ارج نهادن به اولیای الهی و پیوند با آرمان‌های آنان است، در زندگی اصحاب، پس از رحلت پیامبر ﷺ و اهل بیت به خوبی نمایان بوده و سیرهٔ ایشان را نشان می‌دهد.

ب - اصحاب و زیارت شهدای اُحد

ابو داود در سنن خود از طلحة بن عبیدالله چنین آورده است:

خَرَجْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وَأَهْلِهِ] وَسَلَّمَ يُرِيدُ قُبُورَ الشُّهَدَاءِ حَتَّى إِذَا أَشْرَفْنَا عَلَى حَرَّةٍ وَاقِمَ فَلَمَّا تَدَلَّيْنَا مِنْهَا، وَإِذَا قُبُورٌ بِمَحْيِيَّةٍ، قَالَ: قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَقُبُورٌ إِخْوَانِنَا هَذِهِ؟ قَالَ: «قُبُورُ أَصْحَابِنَا». فَلَمَّا جِئْنَا قُبُورَ الشُّهَدَاءِ، قَالَ: «هَذِهِ قُبُورُ إِخْوَانِنَا».

ما با پیامبر خدا ﷺ (از مدینه) بیرون رفتیم. آن حضرت عازم زیارت قبور شهدای احد بود؛ هنگامی که به منطقهٔ حرهٔ واقف رسیدیم و در آنجا فرود آمدیم، ناگهان چند قبر دیدیم. پرسیدیم ای پیامبر خدا، آیا این‌ها قبرهای برادران ما است؟ فرمود: این‌ها قبرهای اصحاب ما است. اما آنگاه که به قبور شهدای اُحد رسیدیم، فرمود: این‌ها قبرهای برادران ما است.^۶



۳. سیره اصحاب در زیارت پس از رحلت پیامبر ﷺ

زیارت که خود نوعی تکریم نسبت به ارزش‌ها و ارج نهادن به اولیای الهی و پیوند با آرمان‌های آنان است، در زندگی اصحاب، پس از رحلت پیامبر ﷺ به خوبی نمایان بوده و سیره ایشان را نشان می‌دهد:

الف - علی علیه السلام و ابوبکر و زیارت قبر پیامبر ﷺ:

محبّ طبری در روایتی کوتاه چنین نقل کرده است:

جَهَّ أَبُو بَكْرٍ وَعَلِيٌّ يَزُورَانِ قَبْرَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وآله] وَسَلَّمَ بَعْدَ وَفَاتِهِ بَسْتَةَ أَيَّامٍ...؛

ابوبکر و علی علیه السلام شش روز پس از رحلت پیامبر ﷺ به زیارت قبر آن حضرت آمدند...^۷

ب - عمر و زیارت قبر پیامبر ﷺ:

سُبکی نقل کرده است:

أَنَّ عُمَرَ لَمَّا صَالَحَ أَهْلَ بَيْتِ الْمَقْدِسِ، وَقَدِمَ عَلَيْهِ كَعْبُ الْأَحْبَارِ وَأَسْلَمَ وَفَرِحَ عُمَرُ بِإِسْلَامِهِ، قَالَ عُمَرُ [لَهُ] هَلْ لَكَ أَنْ تَسِيرَ مَعِيَ إِلَى الْمَدِينَةِ، وَتَزُورَ قَبْرَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وآله] وَسَلَّمَ وَتَتَمَتَّعَ بِزِيَارَتِهِ؟ فَقَالَ: لِعُمَرَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَنَا أَفْعَلُ ذَلِكَ، وَلَمَّا قَدِمَ عُمَرُ الْمَدِينَةَ أَوَّلَ مَا بَدَأَ بِالْمَسْجِدِ وَسَلَّمَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وآله] وَسَلَّمَ -؛

«هنگامی که عمر با مردم سرزمین بیت المقدس سازش کرد، کعب الأحبار بر او وارد شد و به اسلام گروید. عمر از مسلمان شدن وی شادمان گشت و به او گفت: آیا میل داری با من به مدینه بیایی و قبر پیامبر ﷺ را زیارت کنی و از آن زیارت بهره‌مند شوی؟ وی پاسخ داد: ای امیر مؤمنان! من این کار را خواهم کرد و عمر آنگاه که وارد مدینه شد، نخستین اقدامش این بود که به مسجد آمد و بر پیامبر خدا ﷺ سلام و درود فرستاد.^۸



انس بن مالک را دیدم که نزد قبر پیامبر ﷺ آمد و ایستاد،
 آنگاه دست‌هایش را بالا برد، به طوری که من گمان کردم نماز
 را شروع کرد، سپس مشاهده کردم که بر پیامبر ﷺ درود
 فرستاد و از آنجا رفت.

ج - زیارت انس بن مالک

بیهقی از منیب بن عبدالله و او از پدرش ابی امامه، چنین گزارش می‌کند:

رأيت أنس بن مالك أتى قبر النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
 فوقف فرفع يديه حتى ظننت أنه افتتح الصلاة، فسلم على النبي
 صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ثم انصرف؛

انس بن مالک را دیدم که نزد قبر پیامبر ﷺ آمد و ایستاد، آنگاه
 دست‌هایش را بالا برد، به طوری که من گمان کردم نماز را شروع
 کرد، سپس مشاهده کردم که بر پیامبر ﷺ درود فرستاد و از آنجا
 رفت.^۹

د - زیارت عبدالله بن عمر

بیهقی از نافع چنین نقل می‌کند:

انَّ ابن عمر كان إذا قدم من سفرٍ دخل المسجد ثم أتى القبر فقال:
 السلام عليك يا رسول الله...؛

هرگاه عبدالله بن عمر از سفری باز می‌گشت، داخل مسجد می‌شد،
 سپس نزد قبر پیامبر ﷺ می‌آمد و می‌گفت: سلام بر تو ای فرستاده
 خدا.^{۱۰}



همو از عبدالله بن دینار چنین نقل می کند:

رَأَيْتُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عَمْرِو بْنِ عَبْدِ اللَّهِ يَقِفُ عَلَى قَبْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
ثُمَّ يَسَلِّمُ عَلَيَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَيَدْعُو...؛
عبدالله بن دینار گوید: عبدالله بن عمر را دیدم که نزد قبر پیامبر ﷺ
می ایستاد، آنگاه بر حضرتش درود می فرستاد و دعا می کرد.^{۱۱}

ه- زیارت میسرة بن مسروق

سُبْحِيكَ أَزْ فَتُوحِ الشَّامِ چنین نقل کرده است:

لَمَّا كَانَ أَبُو عُبَيْدَةَ مَنَازِلًا بَيْتَ الْمُقَدَّسِ، أَرْسَلَ كِتَابًا إِلَى عَمْرِو بْنِ مَيْسِرَةَ
بْنِ مَسْرُوقٍ يَسْتَدْعِيهِ الْحُضُورَ، فَلَمَّا قَدِمَ مَيْسِرَةَ مَدِينَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دَخَلَهَا لَيْلًا، وَدَخَلَ الْمَسْجِدَ وَسَلَّمَ عَلَى رَسُولِ
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ...؛

هنگامی که ابو عبیده با مردم سرزمین بیت المقدس به نبرد پرداخت،
نامه ای را همراه با میسرة بن مسروق برای عمر فرستاد و از او
در خواست کرد که در این سرزمین حضور داشته باشد، وقتی که
میسرة وارد شهر پیامبر ﷺ شد، شب هنگام بود، در همان وقت به
مسجد رفت و بر قبر پیامبر خدا ﷺ سلام و درود فرستاد.^{۱۲}

و- مرد صحابی و زیارت قبر پیامبر ﷺ

ثعلبی در تفسیر خود آورده است:

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ: قَدِمْنَا عَلَيْنَا أَعْرَابِيٌّ بَعْدَمَا دَفَنَّا رَسُولَ اللَّهِ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ، فَرَمَى بِنَفْسِهِ عَلَى قَبْرِ النَّبِيِّ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَحَثَا مِنْ تَرَابِهِ عَلَى رَأْسِهِ، وَقَالَ: يَا
رَسُولَ اللَّهِ، قَلْتُ فَسَمِعْنَا قَوْلَكَ وَوَعَيْتُ عَنْكَ اللَّهُ، فَوَعَيْتُنَا عَنْكَ، وَكَانَ

فیما أنزل الله عليك: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾، وقد ظلمت نفسي وجئتك تستغفر لي فنودي من القبر: أنه قد غفر لك.

حضرت علی علیه السلام گوید: سه روز پس از به خاک سپاری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مردی بر ما وارد شد، آنگاه خودش را روی قبر آن حضرت انداخت و مقداری از خاک آنجا را بر سرش ریخت و گفت: ای فرستاده خدا، مطالبی را به ما فرمودی و ما سخنانت را شنیدیم. تو از خداوند دریافت کردی و پذیرفتی ما هم از تو دریافت کردیم و پذیرفتیم و در میان آیاتی که خداوند بر تو فرو فرستاد، این کلام است: «اگر آنان پس از آن که به خود ستم کردند، نزد تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر نیز برای آنان طلب آمرزش می‌کرد، قطعاً خدا را توبه پذیر و مهربان می‌یافتند!» اکنون بر خود ستم کرده و نزد تو آمده‌ام، تا برایم استغفار کنی: ناگهان از قبر بانگی برآمد که آمرزیده شدی! ^{۱۳}

ز- ابو ایوب انصاری

ابن عساکر نقل کرده است:

عَنْ دَاوُدَ بْنِ أَبِي صَالِحٍ، قَالَ: أَقْبَلَ مَرَوَانَ يَوْمًا، فَوَجَدَ رَجُلًا وَاضِعًا وَجْهَهُ عَلَى الْقَبْرِ، فَأَخَذَ بَرَقْبَتِهِ فَقَالَ: أَتَدْرِي مَا تَصْنَعُ؟ فَأَقْبَلَ عَلَيْهِ، فَإِذَا هُوَ أَبُو أَيُّوبَ، فَقَالَ: نَعَمْ، جِئْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وَأَلِهِ] وَسَلِّمْ وَلَمْ آتِ الْحَجَرَ، سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وَأَلِهِ] وَسَلِّمْ يَقُولُ: لَا تَبْكُوا عَلَى الدِّينِ إِذَا وَلِيَهُ أَهْلُهُ، وَلَكِنْ ابْكُوا عَلَيْهِ إِذَا وَلِيَهُ غَيْرُ أَهْلِهِ.

داود بن ابو صالح گوید: روزی مروان بر سر مرقد نورانی پیامبر صلی الله علیه و آله رفت، آنگاه دید که مردی صورت خود را بر قبر آن حضرت نهاده



است. مروان گردن او را گرفت و گفت: آیا می‌دانی چه می‌کنی؟ ناگهان دید که او ابو ایوب انصاری، از صحابهٔ گرانقدر پیامبر ﷺ است. وی در پاسخ گفت: آری، من برای پیامبر خدا ﷺ آمده‌ام و برای این سنگ نیامده‌ام. از پیامبر خدا ﷺ شنیدم که فرمود: هرگاه دین به دست اهلش افتاد، بر آن نگریدید، اما هنگامی که دین به دست نا اهل افتاد بر آن بگریید!^{۱۴}

ح - بلال حبشی و زیارت قبر پیامبر ﷺ

تقی الدین سُبکی از ابن عساکر چنین نقل کرده است:

عن أبي الدرداء قال: لما دخل عمر بن الخطاب من فتح بيت المقدس فصار إلى الجابية، سأله بلال أن يقرّه بالشام ففعل ذلك، قال: ... ثم أن بلالاً رأى في منامه النبي صلى الله عليه [وآله] وسلم وهو يقول له: ما هذه الجفوة يا بلال؟! أما أن لك أن تزورني يا بلال! فانتبه حزيناً وجلاً خائفاً، فركب راحلته وقصد المدينة، فأتى قبر النبي صلى الله عليه [وآله] وسلم فجعل يبكي عنده ويمرغ وجهه عليه، فأقبل الحسن والحسين [عليهما السلام] فجعل يضمّهما ويقبلهما. فقالا له: يا بلال، نشتهي نسمع أذانك الذي كنت تؤذن به لرسول الله صلى الله عليه [وآله] وسلم في المسجد ففعل، فعلا سطح المسجد فوقف موقفه الذي كان يقف فيه.

فلما أن قال: الله أكبر، الله أكبر، ارتجت المدينة. فلما أن قال: أشهد أن لا إله إلا الله ازدادت رجتها. فلما أن قال: أشهد أن محمداً رسول الله، خرجت العواتق من خدورهنّ؛ وقالوا: أبعث رسول الله صلى الله عليه [وآله] وسلم؟ فما رؤي يوماً أكثر باكياً ولا باكية بالمدينة بعد رسول الله صلى الله عليه [وآله] وسلم من ذلك اليوم؛

هنگامی که عمر برای فتح بیت المقدس وارد شد، به منطقه‌ای در اطراف دمشق به نام «جاییه» رفت و بلال از او درخواست نمود که با سکونت وی در شام موافقت کند، عمر نیز موافقت کرد، آنگاه گفت: ... بلال شبی از شب‌ها پیامبر خدا ﷺ را در خواب دید که حضرت به او فرمود: ای بلال این چه جفایی است که در حق ما نمودی؟ آیا وقت آن نرسیده است که به زیارت ما بیایی؟ بلال سراسیمه از خواب برخاست و با اندوه و ترس سوار مرکب شده، به قصد زیارت آن حضرت، وارد مدینه شد. یکسره نزد قبر پیامبر ﷺ رفت، شروع به گریه نمود و صورت خود را بر قبر مبارک مالید. هنگامی که امام حسن و امام حسین علیهما السلام به سویش آمدند، وی آن دو را در آغوش گرفت و می‌بوسید. آنها گفتند: ای بلال، دوست داریم یک بار دیگر آن اذانی را که [هنگام سحر] برای پیامبر خدا ﷺ می‌گفتی، بشنویم! بلال پذیرفته، بر بام مسجد رفت و همان جایی که در زمان پیامبر ﷺ می‌ایستاد، ایستاد.

وقتی که گفت: «الله اکبر»، «الله اکبر» مدینه به خود لرزید و تکان خورد و هنگامی که گفت: «أشهد أن لا إله إلا الله» این لرزش افزایش یافت و سر و صداها درهم پیچید، اما وقتی که گفت: «أشهد أن محمداً رسول الله» بانوان از خانه‌ها بیرون آمدند و مردم گفتند: آیا بار دیگر پیامبر خدا ﷺ برانگیخته شده است؟

در مدینه پس از پیامبر ﷺ هیچ روزی به اندازه آن روز، مرد و زن گریه کننده دیده نشده بود!^{۱۵}

ط - جابر و زیارت امام حسین علیه السلام

جابر بن عبدالله انصاری، از اصحاب معروف پیامبر ﷺ است. او در جنگ بدر و هیجده غزوه دیگر با آن حضرت شرکت داشت و از برگزیدگان اصحاب امیر مؤمنان و از اصحاب امام حسن و امام حسین و امام سجاد و امام باقر علیهم السلام بود.



وی آخرین صحابی، از اصحاب پیامبر ﷺ بود که ارتباط خود با اهل بیت را حفظ کرد.

جابر یکی از کسانی است که در نخستین فرصت پس از واقعه جانسوز کربلا به زیارت امام حسین (علیه السلام) آمد. علامه مجلسی با سند خویش از عطیه عوفی نقل می کند:

«همراه جابر بن عبدالله انصاری به قصد زیارت قبر حسین بن علی (علیه السلام) بیرون شدیم. چون به کربلا وارد شدیم، جابر نزدیک فرات رفت و غسل کرد و دو جامه بر تن کرد. کیسه‌ای را گشود که در آن سعد (عطری معروف) بود. آن را به خود پاشید، با هر گام یاد خدا می کرد. نزدیک قبر که رسید گفت: دست مرا بر قبر بگذار! دستش را بر قبر گذاشتم، روی قبر افتاد و از هوش رفت. آب بر او پاشیدم تا به هوش آمد.

آنگاه سه بار گفت: یا حسین! سپس گفت: دوست، پاسخ دوستش را نمی دهد؟! بعد گفت: چگونه جواب دهی که رگهایت بریده و میان سر و پیکرت جدایی افتاده است! شهادت می دهی که تو زاده پیامبران و پسر سرور مؤمنان و هم‌پیمان تقوا و از نسل هدایت و پنجمین نفر از اصحاب کسایی؛ فرزند سرور نقیبان و پسر فاطمه، سرور زنانی و چرا چنین نباشی که سالار پیامبران با دست خود غذایت داده و در دامان با تقویان تربیت شده‌ای و از سینه ایمان شیر خورده‌ای و از دامان اسلام بر آمده‌ای. خوشا به حالت در حیات و ممات! اما دل مؤمنان در فراق تو ناخرسند است و شک نیست که آنچه بر تو گذشت خیر بوده است. سلام و رضوان خدا بر تو باد! گواهی می دهی که تو همان راه را رفتی که برادرت یحیی بن زکریا پیمود.

آنگاه نگاهی به اطراف قبر افکند و گفت: سلام بر شما ای جان‌های پاک که در آستان حسین فرود آمدید! گواهی می دهی که شما نماز را بر پا داشته، زکات را پرداخته، امر به معروف و نهی از منکر کردید و با ملحدان جهاد نمودید و خدا را پرستیدید تا آنکه یقین شما را فرا گرفت.

سوگند به خدایی که محمد را به حق فرستاد! ما در راهی که شما رفتید شریک شما ایم.

عطیه گوید: به جابر گفتم: چگونه با آنان شریکیم که نه دشتی پیمودیم و نه از بلندی و کوه فرا رفتیم و نه شمشیر زدیم. در حالی که اینان سر از پیکرشان جدا شد، فرزندانشان یتیم گشتند. همسرانشان بیوه شدند؟!

گفت: ای عطیه! از حبیب پیامبر خدا ﷺ شنیدم که می فرمود: هر کس گروهی را دوست بدارد با آنان محشور می شود و هر کس کار عده ای را دوست بدارد در عمل آنان شریک است. سوگند به آنکه محمد را به حق به پیامبری فرستاد، نیت من و نیت یارانم همان است که حسین علیه السلام و اصحابش داشتند. مرا به طرف خانه های کوفیان ببرید. چون مقداری راه رفتیم، به من گفت: عطیه! آیا به تو وصیتی بکنم؟ فکر نمی کنم پس از این سفر دیگر تو را ببینم. دوستدار آل محمد علیهم السلام را دوست بدار، تا وقتی که در دوستی باقی اند. دشمن آل محمد را نیز تا وقتی دشمن اند دشمن بدار، هر چند اهل نماز و روزه بسیار باشند! با دوستدار آل محمد علیهم السلام مدارا پیشه کن؛ آنان هر چند به خاطر گناهان بسیار بلغزند، گام دیگرشان با محبت این خاندان ثابت می ماند. دوستدار آل محمد علیهم السلام به بهشت بر می گردند و دشمنانشان به دوزخ!»^{۱۶}

زیارت در آموزه های اسلامی و فرهنگ شیعی، از جایگاه ارجمندی برخوردار است. از زیارت خانه خدا گرفته تا زیارت مرقد نورانی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام تا امامزادگان و صالحان و در نهایت زیارت عموم به خاک سپردگان از مسلمانان. بخش گسترده ای از میراث دینی و اسلامی ما برخاسته از محور زیارت است. روایت های فراوانی که از اهمیت، آداب، پاداش و دستاوردهای زیارت سخن گفته اند تا زیارت نامه های بسیار برجای مانده و نوشته های عالمان بزرگ اسلامی و



شیعی، همه حکایت از این موضوع دارند.
 ناگفته نماند که زیارت کرانه‌های بسیار دارد که باید شناخته شود و در مقاله‌های
 گوناگون مورد بحث قرار گیرد.
 امیدواریم که همگان از این بستر مناسب و کارساز، افزون بر پاداش عظیم سرای
 دیگر، از آثار دنیایی آن نیز بهره‌مند گردند.

پی‌نوشت

۱. نساء: ۶۴
۲. وفاء الوفا، ج ۴، ص ۱۳۶۰
۳. تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۷۷۳
۴. بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۳۹، ح ۲
۵. الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۷۸
۶. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۱۸، رقم ۲۳۰۴۳
۷. الرياض النضرة فی مناقب العشرة، ج ۳، ص ۱۱۸
۸. شفاء السقام، ص ۱۴۴، باب سوم، چاپ چهارم.
۹. شعب الایمان، ج ۳، ص ۴۹۱، ح ۴۱۶۴
۱۰. السنن الكبرى، ج ۸، ص ۴۴، ح ۱۰۴۰۶
۱۱. همان، ح ۱۰۴۰۷
۱۲. شفاء السقام، ص ۱۴۴؛ ر.ک: فتوح الشام، ج ۱، ص ۱۴۸
۱۳. تفسیر ثعلبی، ج ۳، ص ۳۳۹؛ کنز العمال، ج ۲، ص ۲۸۵، حدیث ۴۳۲۲
۱۴. تاریخ مدینه دمشق، ج ۵۷، ص ۲۴۹؛ وفاء الوفا بأخبار المصطفی، ج ۴، ص ۱۸۴
۱۵. شفاء السقام، ص ۱۴۰، الباب الثالث، به نقل از تاریخ دمشق.
۱۶. مقتل معصومین علیهم‌السلام، ج ۲، ص: بحار الأنوار ۶۵
۱۳۰۵۸۷